

اقدام مثبت دولت رئیسی در ایجاد ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین چطور تکمیل می شود؟

هزار راه نرفته در سرزمین فرصت‌ها

در ادامه سفر پنج روزه رئیس‌جمهور به آمریکای لاتین روز گذشته سیدابراهیم رئیسی وارد نیکاراگوئه شد و با استقبالی حماسی از جانب رئیس‌جمهور این کشور مواجه شد تا خاطرات سفر ونزوئلا در نیکاراگوئه نیز تکرار شود. تجلیل از مقام شهید سلیمانی و خواندن سرود ملی ایران ازجمله مواردی بود که در هر دو سفر تکرار شد تا مخاطبان ایرانی با این سوال مواجه شوند که ریشه این اشتیاق به ایران چیست. برخی نیز از اتفاقات رخ داده به‌وجود آمدند و باتوصیف سرزمین فرصت‌ها به استقبال روایتگری از سفر رئیس‌جمهور به آمریکای لاتین رفته‌اند؛ توصیفی که البته میزان اعتبار آن نیاز به بررسی دارد. به بهانه رسیدن رئیس‌جمهور ایران به دومین منزل سفر خود در ماناگوآ، پایتخت نیکاراگوئه ضمن مرور ریشه تاریخی روابط بین دو کشور به بررسی اهداف و نتایج تعاملات و توافقات احتمالی پرداخته‌ایم.

احیای پیوند دیرینه

سابقه روابط دیرینه ایران و نیکاراگوئه به ماه‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. از آنجا که انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه به فاصله تنها چندماه از یکدیگر رخ داده این دوواقع‌ه را به یکدیگر پیوند داده و برخی محافل رسانه‌ای از آن به انقلاب دوقلویاد می‌کنند. در ماه فوریه سال ۱۹۷۹ جبهه آزادیبخش ملی (ساندینیستا) که متشکل از چپ‌گرایان نیکاراگوئه است علیه دیکتاتوری سوموزا به پا خاسته و انقلاب این کشور را رقم زدند. چندماه بعد انقلاب ایران به‌وقوع پیوست. رویکرد ضداستکباری انقلاب‌ها باعث شد روابط دو کشور در نخستین دوره نخست‌وزیری میرحسین موسوی شکل بگیرد؛ روابطی که تحت‌تاثیر آن موسوی اعتباری به ارزش ۵۳ میلیون دلار را در اختیار این کشور قرار می‌دهد. با خارج شدن چپ‌گرایان از قدرت روابط دو کشور دچار چالش شده و مجدد با بازگشت آنها در سال ۲۰۰۶ به قدرت این روابط احیا می‌شود. در دوره جدید از سرگیری روابط مجدداً قراردادهایی بین دو کشور منعقد شده تا هم روابط سیاسی به بعد اقتصادی تعمیم پیدا کند و هم نیکاراگوئه بعد از سال‌ها قطع روابط بدهی‌های اعتباری را که دریافت کرده بود، بپردازد. مطابق این قراردادها گوشت و نهاده‌های دامی مهم‌ترین اقلامی هستند که ایران به دنبال واردات آن از نیکاراگوئه بوده و تجهیزات پزشکی و فرآورده‌های نفتی نیز مهم‌ترین اقلام سید صادراتی به این کشور را تشکیل می‌دهند؛ سبدی که البته با توجه به وزن کم اقتصاد ایران خیلی پربونی محسوب نمی‌شود اما به‌نظر می‌رسد تهران سیاست خود را بر استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌های اقتصادی قرار داده و به همین دلیل سراغ اهدافی همچون سرمایه‌گذاری در صنایع پزشکی و پالایشگاهی این کشور رفته است.

فرصت‌های اقتصادی بزرگ‌تر نیز باید مورد توجه قرار گیرد

به دلیل قدرت اقتصادی ضعیف کشورهای هدف سفر

گفت‌وگو



سیدابراهیم رئیسی در دومین ایستگاه سفر به آمریکای لاتین روز گذشته وارد نیکاراگوئه شد. در راستای بررسی ابعاد سفر ۵ روزه رئیس‌جمهور با علیرضا سلطانی، کارشناس مسائل آمریکای لاتین به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

اگر با نگاهی واقع‌گرایانه به وضعیت اقتصادی ۳ کشوری که رئیس‌جمهور به آن سفر کرده بنگریم آیا می‌توانیم برای گسترش تعامل با این کشورها؟

جواب تقریباً مشخص است؛ سه کشور ونزوئلا، نیکاراگوئه و کوبا عملاً کارکرد سیاسی برای بهبود مناسبات اقتصادی ایران ندارند. تجربه هم ثابت کرده که در طول دو دهه گذشته عملاً این سه کشور نتوانستند به ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌های سیاسی به ایران گامی بردارند. در حوزه اقتصادی هم همین شرایط حاکم است. نگاهی به مناسبات اقتصادی و تجاری ایران به کشوری مثل ونزوئلا نشان می‌دهد در سال گذشته براساس آماری که اخیراً اعلام شد، روابط اقتصادی ایران با ونزوئلا در سال ۱۴۰۱ تقریباً ۱۲۰ میلیون دلار بوده که رقم بسیار پایینی است. تازه در سال ۱۴۰۰ این کمتر از صد میلیون دلار بوده است. یا اینکه ما در سال گذشته هیچ صادراتی به کوبا و نیکاراگوئه نداشتیم. واردات ایران از ونزوئلا در سال گذشته حدود کمتر از یک میلیون دلار بوده است. در مورد کوبا ما حدود ۱۱ میلیون دلار واردات داشتیم. درمورد نیکاراگوئه هم صفر بوده. عملاً در دهه گذشته هیچ رابطه اقتصادی بین ایران و نیکاراگوئه شکل نگرفته است. درمورد کوبا هم همین‌طور است. حالا شما حساب کنید با چنین ارزش اقتصادی‌ای که صورت گرفته، این کشورها چه خلاً اقتصادی از ایران می‌توانند بر کنند. البته ونزوئلا یک کشور نفتی است و طبیعتاً ظرفیت‌های خیلی خوبی برای توسعه صنعت نفتش دارد. با توجه به شرایط تحریمی که در دو دهه گذشته دارد و عقب‌ماندگی‌هایی که در صنعت نفت دارد، ایران می‌تواند در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی و خدمات نفت به این کشور کمک کند، اما این زمینه هم که ایران قراردادهایی را در آن بسته و فعالیت‌هایی را آغاز کرده واجد محدودیت است. اما این نمی‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد یک مناسبات اقتصادی گسترده با کشور ونزوئلا باشد.

رئیس‌جمهور در تفاهات فی‌مابین این ایران است که باید بار عمده سرمایه‌گذاری‌ها را بر دوش بکشد. همین امر باعث شده برخی کارشناسان به اولویت‌بندی صورت‌گرفته در انتخاب مقاصد ایراد وارد کنند. درحالی‌که برزیل یکی از بزرگ‌ترین شرکای اقتصادی ایران در آمریکای لاتین محسوب می‌شود شاهد هستیم که نامی از این کشور در بین مقاصد سفر پنج‌روزه رئیس‌جمهور وجود ندارد. همچنین کشورهای دیگری همچون مکزیک، کلمبیا، آرژانتین و شیلی در آمریکای لاتین حضور دارند که سیاست خارجی وابستگی سیاسی به غرب نداشته و به‌لحاظ اقتصادی نیز واجد توانایی به‌مراتب بهتری به نسبت مقاصد انتخاب‌شده فعلی هستند. گسترش تعاملات اقتصادی با این کشورها باعث می‌شود بار سرمایه‌گذاری‌های مشترک صرفاً روی دوش ایران قرار نگیرد و احتمال معطل ماندن آنها نیز کمتر شود. به‌طورمثال ارزش بیش از چهارمیلیاردی روابط اقتصادی ایران با برزیل باعث شد با قدرت گرفتن بولسونارو به عنوان یک رئیس‌جمهور راست‌گرا همچنان تعاملات فی‌مابین دو کشور پایدار باقی بماند. به‌عنوان مثال منفی نیز می‌توان به اکوادور اشاره کرد؛ کشوری که مرادوات تجاری محدودی با ایران داشت و با روی کار آمدن دولت راست‌گرا روابطش با ایران را به‌طور کامل قطع کرده و سفیر خود را نیز از ایران فراخواند. این اتفاقات نشان می‌دهد گسترش مناسبات اقتصادی می‌تواند بر تقویت تعاملات سیاسی نیز اثر گذاشته

و حداقل مانع از قطع کامل آن شود. این همان مسیری است که چین آن را در آمریکای لاتین پیموده و جای پای محکمی نیز برای خود در این منطقه برای خود ساخته است. پکن در ۱۰ سال گذشته حجم مرادوات اقتصادی خود با کشورهای آمریکای لاتین را چندین برابر افزایش داده و میزان آن را به ۴۵۰ میلیارد دلار رسانده است. رقمی که راست‌گراترین کشورهای آمریکای لاتین نیز نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند و مانع از گسترش روابط با کشوری شوند که رقیب اقتصادی آمریکا محسوب می‌شود. توجه ایران به آمریکای لاتین اگرچه امری شایسته تقدیر بوده و عاملی برای اعتلا قدرت سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود اما با اولویت‌سنجی صحیح و مورد توجه قرار دادن همه ظرفیت‌های موجود می‌توان میزان این قدرت را تا چندبرابر افزایش داد.

سید اقتصادی کپرونق نیکاراگوئه

علی‌رغم اینکه نیکاراگوئه در کنار ونزوئلا و کوبا جزء سه مقصد سفر پنج‌روزه ابراهیم رئیسی و هیات همراه او به آمریکای لاتین بود، اما تا پیش از این سفر، ایران با این کشور روابط اقتصادی بسیار محدودی داشته است. به میزانی که در سال گذشته صادرات کالاها غیرنفتی ایران به این کشور چیزی نزدیک به صفر گزارش شده است. گرچه فاصله جغرافیایی بسیار زیاد مانعی جدی بر سر راه گسترش تجارت ایران و کشورهای

علیرضا سلطانی، کارشناس مسائل آمریکای لاتین در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تعامل با قدرت‌های اقتصادی آمریکای لاتین باید در اولویت قرار گیرد

شاهد تحرک خوبی در سیاست خارجی ایران بودیم که نمونه عینی آن بهبود روابط با عربستان یا احیای این روابط بود که در نوع خود قابل توجه است. می‌توان از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد سیاست خارجی دولت سیزدهم نام ببریم. اما اینکه در این شرایط برقراری چنین سفری به این هزینه و صرف پنج روز، چقدر می‌تواند برای کشور دارای اهمیت باشد، یک‌مقدار جای تامل و ارزیابی دارد. برای کشوری مانند ایران که دچار چالش‌های سیاست خارجی زیادی است و اقتصادش در گرو باز کردن گره‌هایی در سیاست خارجی است، طبیعتاً باید کشورهایی در اولویت باشند که دو کارکرد داشته باشند: اول اینکه بتوانند نقش میانجی‌گرایی‌انه داشته باشند برای اینکه ایران بتواند در فضای سیاسی بین‌المللی تحرک بیشتری را تجربه کند. به‌عبارتی دیگر دارای ظرفیت‌های سیاسی خوبی باشند که در این زمینه می‌توان به کشور عمان اشاره کرد که در این زمینه ما تحرک خوبی داشتیم اما نباید محدود به عمان باشد، بلکه باید دیگر کشورها در مناطق دیگر را هم در بر بگیرد و آمریکای لاتین هم از این قاعده مستثنی نیست. دومین کارکردی که باید داشته باشند، کارکرد اقتصادی است. ایران در شرایطی که به‌شدت دچار چالش‌های اقتصادی است، باید با کشورهای وارد تعامل، همکاری و روابط دیپلماتیک شود که بتوانند خلئی از شرایط اقتصادی را پر کرده یا به ایران کمک کنند تا بتواند از شرایط تحریمی خارج شود.

آیا قراردادهایی که به گفته روسای‌جمهور ایران ونزوئلا میان این ۲ کشور بسته شده، می‌تواند موجب انتفاع اقتصادی ایران شود؟

ابهاماتی وجود دارد و به‌نظر می‌رسد باید راجع به آن صحبت شود. گفته شده با کشور ونزوئلا قراردادهایی بسته شد. ۱۹ قرارداد با تفاهنامه همکاری بسته شده که البته در نوع خود می‌تواند قابل توجه باشد. حتی روسای دو کشور صحبت از این داشتند که روابط اقتصادی تجاری را به ۲۰ میلیارد دلار در سال افزایش دهند که این یک هدف‌گذاری بسیار آرمانی است، درحالی‌که دو کشور روابط تجاری‌شان در سال تقریباً به کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسد چگونه می‌خواهند و می‌توانند این روابط را به ۲۰ میلیارد دلار در سال افزایش دهند؟

پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۲۸۸۸

سالی که آمارهای اقتصادی ونزوئلا در سایت این بانک ثبت شده است) درحالی‌که میزان تولید ناخالص ملی ونزوئلا حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده، این رقم برای نیکاراگوئه از ۱۲ میلیارد دلار فراتر نرفته است. تفاوت بالای این دو عدد کافی است که در عین امیدواری به افزایش روابط اقتصادی با سایر کشورهای آمریکای لاتین ازجمله نیکاراگوئه، انتظارات معقولی از روابط تجاری با این کشورها داشته باشیم.

دستاورد امنیتی هم‌پیمانی با چپ‌های آمریکای لاتین

«چندسال پیش که به برخی زیرساخت‌های ونزوئلا از طرف آمریکا حمله سایبری وحشیانه‌ای شد، ژنرال سلیمانی به کمک ما آمد. خیلی‌ها از خدمات ژنرال سلیمانی این مرد بزرگ خبر ندارند.» این جمله‌ای بود که مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در مذاکره با هیات ایرانی و در جریان سفر رئیسی به این کشور درباره حاج قاسم گفت. ونزوئلا البته تنها کشوری نبود که در آن از حاج‌قاسم سلیمانی صحبت به‌میان آمد؛ دانیل اورتگا، رئیس‌جمهور نیکاراگوئه دومین شخصی بود که از حاج‌قاسم تجلیل کرد. اود مراسم استقبال از رئیسی در بدو ورود به این کشور به شهید سلیمانی ادای احترام کرد و گفت: «زنده‌باد شهید ایران؛ سردار قاسم سلیمانی» توجه این دو کشور به قهرمان شهید ایران که به دست آمریکایی‌ها به شهادت رسید، جدای از اینکه از همدلی و همراهی کشورهای آمریکای لاتین در مبارزه با امپریالیسم غرب و روحیه ضدآمریکایی این کشورها حمایت دارد، نشان می‌دهد ایران در این منطقه، نقش‌های امنیتی را برای خود تعریف کرده و همین امر هم باعث افزایش محبوبیت ایران در این منطقه شده و این امکان را فراهم آورده که نقش ایران در سایر ابعاد اقتصادی در آمریکای لاتین گسترش پیدا کند. بهره‌برداری‌های اقتصادی ایران در ونزوئلا از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. آمارها می‌گویند میزان صادرات ایران به ونزوئلا در سال گذشته به سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است. نیکاراگوئه اما کشوری است که با توجه به اینکه توان اقتصادی زیادی برای برقراری روابط دو جانبه اقتصادی ندارد، بیشتر از اینکه برقراری روابط اقتصادی با این کشور برای ایران اهمیت داشته باشد، بعد امنیتی آن پرنزنگ است. این موضوع تقریباً درباره برقراری روابط با کشور کوبا هم مطرح است. همکاری دریایی می‌تواند ازجمله مصادیق تعاملات امنیتی ایران با کشورهای آمریکای لاتین باشد. سواحل نیکاراگوئه در شرق، هم‌مرز با دریای کارائیب است. کوبا هم بزرگ‌ترین جزیره دریای کارائیب است که از طریق خلیج مکزیک به مریزای ایالات متحده متصل می‌شود. در سوی مقابل ایران طی سال‌های اخیر تلاش داشته در قامت یک نیروی دریایی توانمند ظاهر شود که سفر دور دنیای اخیر ناوگروه ۸۶ نیز موید همین نکته است. گسترش تعاملات امنیتی به‌ویژه در حوزه دریایی این امکان را فراهم می‌آورد تا ایران در برنامه‌ریزی‌های آتی برای عملیات‌های مشابه بتواند روی ظرفیت بندرگاهی همپیمانان لاتین خود حساب کند.